





«با قرآن علی علیه السلام را بشناسیم» تلاش علمی است برای اثبات استدلالی جانشینی بلافصل حضرت علی علیه السلام بر اساس آیات قرآن کریم. رویکرد این اثر، اثبات ولایت و امامت پیشوای خوبان، بر پایه استدلال و برهان منطقی است؛ هرچند مباحث تفسیری، روایی و استفاده از منابع دست اول شیعه و اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است. در نوشتار حاضر سعی شده با قلمی ساده، روان و مختصر، گامی در مسیر اثبات این اصل مهم اعتقادی - خلافت حضرت علی علیه السلام - برداشته شود. امید آنکه چراغ راه هدایت برای جویندگان حقیقت باشد.



محَمَّد تقی فعّالے
حمید فلاحی

فهرست مطالب

بهبانۀ ای برای شروع	۹
دفتر نخست: آیه ولایت	۱۹
۱. شأن نزول	۲۳
۲. شرح و تفسیر	۲۶
یک) واژه ائِما	۲۶
دو) واژه «ولی»	۲۷
گونه نخست: ولایت خدا و اولیای او	۲۸
گونه دوم: ولایت شیطان و اولیای او	۲۹
گونه سوم: ولایت توده مردم	۳۰
سه) مصداق «الَّذِينَ آمَنُوا»	۳۳
چهار) مقصود از زکات	۳۶
۳. بیان استدلال	۳۸
۴. بهبانۀ ها و پندارها	۴۲
یک) دلالت نداشتن واژه «ائِما» بر حصر	۴۲



۴۵	 (دو) جمع بودن مفاد آیه
۴۷	 (سه) اختصاص امامت به مولا علی علیه السلام
۴۹	 (چهار) بلا فصل نبودن جانشینی
۵۱	 دفتر دوم: آیه تبلیغ
۵۶	 ۱. شأن نزول
۶۲	 ۲. شرح و تفسیر
۶۲	 (یک) خطاب «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ»
۶۳	 (دو) واژه «بَلَّغْ»
۶۳	 (سه) جمله «وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»
۶۴	 (چهار) فراز «وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»
۶۵	 ۳. بیان استدلال
۶۵	 استدلال نخست) زمان نزول آیه
۶۷	 استدلال دوم) محتوای پیام
۶۹	 استدلال سوم) شواهد بیرونی آیه
۷۰	 جمع بندی
۷۲	 ۴. بهانه ها و پندارها
۷۲	 (یک) شأن نزول
۷۵	 (دو) تفسیر مولا و ولایت
۷۸	 (سه) عدم احتجاج اهل بیت علیهم السلام به حدیث غدیر
۸۳	 دفتر سوم: آیه اکمال
۸۶	 ۱. شأن نزول



۲. شرح و تفسیر	۹۰
یک) مفردات آیه	۹۰
دو) ساختار آیه	۹۲
الف) رابطه دو جمله با قبل و بعد	۹۲
ب) نسبت دو جمله با یکدیگر	۹۳
سه) مفهوم آیه	۹۴
۳. بیان استدلال	۱۰۱
یک) اثبات جانشینی	۱۰۱
دو) مصداق «الیوم»	۱۰۲
سه) مصداق جانشین	۱۰۳
چهار) نتیجه	۱۰۳
۴. بهانه‌ها و پندارها	۱۰۴
دفتر چهارم: آیه اطاعت	۱۰۹
۱. شأن نزول	۱۱۲
۲. شرح و تفسیر	۱۱۵
۳. بیان استدلال	۱۲۲
مقدمه اول: انحصار اطاعت مطلق در سه گروه	۱۲۲
مقدمه دوم: عصمت اولی الامر	۱۲۳
مقدمه سوم: مصداق معصوم	۱۲۶
نتیجه	۱۲۸
۴. بهانه‌ها و پندارها	۱۳۰



یک) با وجود پیامبر نیازی به امام نیست	۱۳۰.....
دو) واجب نبودن اطاعت علی علیه السلام در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله	۱۳۲.....
سه) جمع بودن واژه «اولی الامر»	۱۳۳.....
دفتر پنجم: آیه صادقین	۱۳۵.....
۱. شأن نزول	۱۳۸.....
۲. شرح و تفسیر	۱۴۰.....
۳. بیان استدلال	۱۴۴.....
یک) اثبات انحصار صادقین در افراد خاص	۱۴۴.....
دو) عصمت صادقین	۱۴۵.....
بیان نخست: مفهوم آیه	۱۴۵.....
بیان دوم: اطلاق آیه	۱۴۶.....
بیان سوم: معنای صدق	۱۴۶.....
سه) مصداق معصوم	۱۴۷.....
نخست: شأن نزول	۱۴۷.....
دوم: آیه تطهیر	۱۴۹.....
چهار) نتیجه	۱۴۹.....
۴. بهانه ها و پندارها	۱۵۱.....
پرسش های بی پاسخ	۱۵۵.....
کتابنامه	۱۵۹.....





در اندیشه اسلامی، امامت سابقه‌ای طولانی دارد و آثار گوناگونی درباره آن به رشته تحریر درآمده که از اهمیت مسئله نزد دانشمندان اسلامی حکایت دارد. مورخان اندیشه اسلامی برآنند که نزاع بر سر جانشینی آخرین فرستاده الهی صلی الله علیه و آله، از نخستین مباحث کلامی است که پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، در میان امت رواج یافت. مواجهه شیعه با مسئله جانشینی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، ارائه نظریه امامت به عنوان استمرار نبوت بود که آن را در زمره تعلیم و آموزه‌های دینی اسلام قرار داد.

در منظومه فکری اسلام، امامت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از اصول مهم اعتقادی به شمار می‌آید. بر پایه این بینش، امامت استمرار اهداف والای نبوت است به گونه‌ای که اگر امامت وجود نداشت، خواسته‌ها و هدف‌های نبوت نیز با چالش جدی مواجه می‌شد؛ پس همان گونه که نبوت از اصول دین است، امامت نیز در زمره اصول دین به شمار می‌آید.

با امامت، اساس شریعت حفظ می‌شود و نظام اجتماعی قوام می‌یابد.^۱ زندگی بدون معرفت امام، زندگی جاهلانه است و هر کس بدون شناخت امام زمانش از دنیا برود در حقیقت به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.^۲ در آخرین کتاب آسمانی، امامت مرحله پایانی سیر تکاملی انسان معرفی شده که تنها پیامبران اولوالعزم به آن دست یافته‌اند:

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ^۳ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.»

امامت، جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، در تبلیغ احکام، برپا داشتن حدود الهی، پاسداری از دین خدا و تربیت بشریت است.^۴ بر اساس این تعریف که شیخ مفید آن را بیان داشته و بزرگان امامیه بر آن مهر تأیید زده‌اند، امامت تحقق بخشیدن به برنامه‌های دینی، اعم از حکومت به معنای وسیع کلمه و اجرای حدود و احکام الهی و اجرای عدالت اجتماعی و تربیت و پرورش ظاهری و باطنی انسان هاست.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰؛ صدوق، الأمالی، ص ۶۷۶.

۲. هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۱۶؛ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۸؛ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۴۶۰.

۳. بقره/۱۲۴.

۴. مفید، اوائل المقالات، ص ۶۵.



در حقیقت، مقام امامت مقام تحقق بخشیدن به اهداف مذهب و هدایت به معنای «ایصال الی المطلوب» است نه فقط نشان دادن راه. علاوه بر آنکه، هدایت امام، هدایت تکوینی را نیز شامل می شود؛ یعنی امام تأثیر باطنی بر انسان ها دارد، از نفوذ روحانی برخوردار است، شعاع وجودی ایشان بر قلب های انسان های آماده می تابد و آنان را هدایت معنوی می کند.^۱

وجود امام و پیشوا از نظر تمام فرق اسلامی امری واجب و ضروری است. بر امت لازم است که از پیشوایی عادل پیروی کنند تا قوانین الهی جاری شود و جامعه بر اساس احکام اسلامی اداره گردد. هر چند همه فرقه ها بر وجوب و ضرورت امامت اتفاق نظر دارند، ولی در کیفیت این وجوب - عقلی یا شرعی بودن آن - اختلاف وجود دارد. همچنین درباره شرایط و اوصاف امام و نیز راه انتخاب یا نصب ایشان نیز اختلاف هایی وجود دارد.

در مکتب شیعه، امامت واجب عقلی و شرعی است و فلسفه نصب و تعیین امام علیه السلام با فلسفه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله هم دایر است؛ یعنی همان علت هایی که برانگیختن رسول را ایجاب می کند، باعث می شود بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله امامی که عهده دار وظایف رسالت است از سوی خدا منصوب شود.^۲

همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا مبعوث می شود و مردم در انتصاب او هیچ نقشی ندارند، امام علیه السلام هم که جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی، ص ۸۰.

۲. حلی، کشف المراد، ص ۳۶۳؛ مقداد، اللوامع الالهیه، ص ۳۱۹.



است، باید از جانب او منصوب شود؛ چرا که امام علیه السلام نه تنها باید در تمام سجایای اخلاقی و فضایل و کمالات سرآمد مردم باشد، بلکه باید دارای مقام والای عصمت بوده از گناه و خطا به دور باشد و از علم وسیعی نیز برخوردار باشد. از آنجا که تشخیص این امور، از حیطه فهم مردم خارج است، تنها آفریدگار و خالق هستی است که بر مخلوقات و مکنونات خود آگاه است و می تواند چنین افرادی را به مردم معرفی کند.^۱

شیعه معتقد است پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیش از همه امور و احکام اسلامی، به امر خلافت و امامت اهتمام ورزیده است و نه تنها وصی بعد از خود، بلکه دوازده وصی علیه السلام را نام برده است.^۲ رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آغازین لحظات دعوت و بعثت تا آخرین دقایق زندگی و هنگام رحلت از آنان یاد کرده و آنان را به مردم معرفی کرده است.

در مکتب اهل سنت، مقام امامت، مقامی فرعی و اجتماعی است و دست افراد جامعه اسلامی در انتخاب آنان باز است. از دیدگاه این مذهب، امامت از فروع دین است و لزوم انتخاب آن ناظر به اجرای احکام الهی است؛ چرا که اجرای احکام و جهاد در راه خدا، بدون امام امکان پذیر نیست. به همین سبب امت اسلامی باید فردی را برگزینند که احکام خدا را اجرا کند و با دشمنان جهاد نماید.

اهل سنت برای انتخاب امام، ضابطه ای خاص و جامع ندارند،

۱. رک: حلی، کشف المراد، ص ۳۶۶؛ بحرانی، قواعد المرام، ص ۱۸۱-۱۷۹.

۲. هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۷۶۳؛ جعفر بن محمد، مصباح الشریعه، ص ۶۵؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۵؛ همو، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳.



بلکه بیشتر شیوه خلفای پیشین را ملاک و ضابطه انتخاب خلیفه قرار داده‌اند. به عنوان نمونه چون نخستین خلیفه با بیعت جمعی از مسلمانان به خلافت انتخاب شد، بیعت گروهی در زمره شیوه‌های انتخاب خلیفه مسلمین قرار گرفت. یا از آنجا که خلیفه دوم به وسیله خلیفه پیش زمام امور را در دست گرفت، تعیین امام توسط خلیفه پیشین یکی از شیوه‌های انتخاب امام قرار گرفته است و یا چون خلیفه سوم از راه شورا به خلافت رسید، شورا یکی از راه‌های پوشیدن جامه خلافت بر اندام شخصی تعیین گردید. یا از آنجا که خلفای بعد - مانند امویان و عباسیان - از راه قهر و غلبه زمام امور را در دست گرفتند، قهر و غلبه نیز در شمار راه‌های شناخت امام گنجانده شد.^۱

شئون و وظایف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

با اعلام خاتمیت دین اسلام،^۲ آمدن شریعتی جدید بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همیشه منتفی شده است و نبوت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله پایان دهنده سلسله پیامبران علیهم السلام است. این عقیده مورد اتفاق و اجماع همه مسلمانان است و از ضروریات دین به شمار می‌رود.^۳ بنابراین هیچ کس بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمی‌تواند مدعی مقام دریافت و ابلاغ وحی نبوت باشد.

بی تردید رسول خاتم صلی الله علیه و آله در مدت بیست و سه سال که ردای نبوت را بر تن داشت، وظایف و شئون مختلفی را در قبال جامعه اسلامی

۱. ایچی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۴۶-۳۴۵.

۲. احزاب/۴۰.

۳. سبحانی، الالهیات، ج ۳، ص ۴۸۵.

